



## اقتباس مفاهیم قرآنی در مقتل‌های نسخه خطی صحیفه قاصریه و انعکاس آن بر پرده‌خوانی قاجاری

فاطمه کامیابی<sup>۱</sup>، داریوش کاظمی<sup>۲</sup>، مریم شایگان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. kamyabyfatmh@gmail.com

<sup>۲</sup> \* (نویسنده مسئول) استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. d.kazemi@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. m.shaygan@gmail.com

### چکیده

صحیفه قاصریه اثر قاصر کرمانی از شاعر عصر بازگشت ادبی است. این نسخه خطی شامل پنج مقتل در رویدادهای کربلا و در چهار هزار بیت سروده شده است. یکی از رایج‌ترین شیوه‌های بهره‌گیری از آیات قرآن کریم در شعر، اقتباس و انواع آن است. قاصر کرمانی در صحیفه خود از آیات قرآن کریم، بهره جسته است. او در استفاده از آیات قرآنی زیاده‌روی نمی‌کند، و همواره جانب اعتدال را نگه می‌دارد. از سوی دیگر، او آیات را برای اثبات مدعای خویش به کار می‌گیرد. با مطالعه صحیفه قاصریه می‌توان به میزان دانش و تسلط قاصر کرمانی به آیات قرآن کریم پی برد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای به این سوؤل پاسخ دهد که کدام یک از اقسام اقتباس در صحیفه قاصریه، کارکرد و بسامد بیشتری دارد؟ مضامین قرآنی و مقتل‌نویسی چه بازتابی در پرده‌خوانی دوره قاجار داشته است؟ براساس نتایج تحقیق، قاصر کرمانی در صحیفه قاصریه اغلب از معنی و مضمون آیات قرآن کریم بهره گرفته است. اقتباس وی از قرآن کریم نوعی اقتباس آزاد و غیرمستقیم محسوب می‌شود؛ این امر دال بر توانایی و انس و الفت شاعر با قرآن کریم است و چنین اقتباسی را باید اقتباس خلاق نامید. بررسی مضامین پرده‌خوانی دوره قاجاری نیز حاکی از امتداد کاربرد استعاره‌های قرآنی در این هنر است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی مفاهیم قرآنی در مقتل‌های نسخه خطی صحیفه قاصریه.

۲. بررسی مقتل‌های نسخه خطی صحیفه قاصریه بر پرده‌خوانی قاجاری.

### سوآلات پژوهش:

۱. مفاهیم قرآنی در مقتل‌های نسخه خطی صحیفه قاصریه چه جایگاهی داشته است؟

۲. مضامین قرآنی و مقتل‌های صحیفه قاصریه چه بازتابی بر پرده‌خوانی قاجاری داشته است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۴۶۸ الی ۴۸۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

مفاهیم قرآنی،

مقتل،

صحیفه قاصریه،

پرده‌خوانی قاجاری.

### ارجاع به این مقاله

کامیابی، فاطمه، کاظمی، داریوش، شایگان، مریم. (۱۴۰۱). اقتباس مفاهیم قرآنی در مقتل‌های نسخه خطی صحیفه قاصریه و انعکاس آن بر پرده‌خوانی قاجاری. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹ (۴۷)، ۴۶۸-۴۸۷.



[dorl.net/dor/20.1001.1](http://dorl.net/dor/20.1001.1)

۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://dx.doi.org/10.22034/IAS)

۲۰۲۱۳۰۳۸۵۹۱۷۱۶



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

درک سروده‌های بسیاری از شاعران مسلمان زبان فارسی، بدون شناختن مایه‌های قرآنی شعر آنان میسر نیست. قرآن برای مسلمانان همواره سرچشمه الهام و بزرگ‌ترین مکتب برای پرورش مؤمنان و جویندگان حقیقت بوده است. ظاهر و باطن قرآن، سرشار از زیبایی‌ها و رازهایی است که به فراخور استعداد و فهم متوسلان بدان، رخ می‌نماید. یکی از مهم‌ترین ساحت‌های دین و قرآن، ساحت ادبی است. دین، قرآن کریم و ادبیات ارتباط تنگاتنگ و گسترده با هم دارند. شاعران، برای بیان یافته‌های خود، از کلام قرآن کریم شاهدانی آورده‌اند که جلوه آن در آیینة شعر متجلی است. عرفا برای این که بر میزان اثرگذاری حکایات و قصص و حکایات بیفزایند، آن را با آیات و اشارات قرآنی می‌آراستند تا برجسته‌تری و آموزشی آن بیفزایند.

قاصر کرمانی نیمه اول قرن چهاردهم قمری است که اشعار او، با الهام از قرآن کریم، ارزش والایی یافته است. بررسی پرتوها و اشارات قرآنی در صحیفه او کمک می‌کند تا روند شکل‌گیری زبان اشارات قرآنی در ادب فارسی را بهتر دریافت و شناخته شود. تأثیر قرآنی در حوزه اقتباس‌های مستقیم و اقتباس‌های غیرمستقیم جای می‌گیرد که هر کدام، خود دارای انواعی است. یکی از مهم‌ترین ساحت‌های دین و قرآن کریم، ساحت ادبی آن است. دین، قرآن کریم و ادبیات ارتباط تنگاتنگ و گسترده با هم دارند و بحث اقتباس و اشارات قرآنی یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه مطالعات متون ادبی به‌شمار می‌آید.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به‌رشته تحریر درنیامده است. اما برخی از مقالات منتشر شده در زمینه اقتباس در متون ادبی، به ترتیب سال نشر به شرح زیر است: خاوری، در سال (۱۳۸۳) مقاله‌ای با عنوان «از واژه به مفهوم: اقتباس یا ترجمه ادبی» را در پژوهش زبان‌های خارجی چاپ کرد. در این مقاله آمده است که در ترجمه بسیاری از آثار ادبی، از جمله نوشته‌های شکسپیر، مترجم در برگردان واژه‌ها معنا را حفظ می‌کند، ولی برای حفظ زیبایی کلام نویسنده، همیشه با متن در کشمکش است. محمودی، در سال (۱۳۸۹) مقاله‌ای با عنوان «اقتباس و تضمین آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی» در مجله مطالعات قرآنی فدک چاپ کرد. یکی از مواردی که در این نوشته مورد توجه قرار گرفته جایگاه دستوری آیات قرآن در جملات است. از این منظر، آیات قرآن به‌عنوان رکن تکمیل‌کننده جمله از جهت دستوری گاه نقش مفعول، مضاف‌الیه، صفت، مسند و مانند آن را ایفا می‌کنند. در این اثر، نویسنده به‌گونه‌ای هنرمندانه از آیات قرآن از سویی برای غنای معنایی و از سوی دیگر به منظور زیباسازی فضای کلام و نمایاندن هنر نویسندگی استفاده کرده است.

صباغی، در سال (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی اقتباس از قرآن با نگاه بلاغی» در مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی چاپ کرد. این گفتار به بررسی و تحلیل اقتباس‌های قرآنی از دیدگاه بلاغت سنتی و نظریه‌های ادبی جدید می‌پردازد. نتیجه این جستار، بیانگر آن است که اقتباس براساس بلاغت سنتی، گاهی نوعی آرایه و جلوه تأثیرپذیری از قرآن و حدیث و گاه نوعی سرقت ادبی قلمداد شده است و بحث و بررسی پیرامون آن به فراموشی سپرده شده است، اما براساس نظریه بینامتنی و بدخوانی خلاق اقتباس نوعی تکنیک و هنر سازه است که اگر با خوانش خلاقانه سخنوران توأم شود و بخش مقتبس در بافت جدید به جا و خوش بنشیند، جلوه‌ای از توانایی هنرمند در احضار متن پیشین است و نه تنها از مقوله سرقات ادبی نیست، بلکه یکی از نمودهای برجسته توانایی هنرمند در بافت‌گردانی است.

عالی محمودی، نوریان و فشارکی، در سال (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «بررسی تلمیح و اقتباس مضامین قرآنی و احادیث نبوی در مثنوی نهدسپهر امیرخسرو دهلوی» در مجله فنون ادبی منتشر کردند. این مقاله با هدف معرفی ابعاد قرآنی مثنوی نهدسپهر امیرخسرو دهلوی و آشنایی علاقه‌مندان با آثار ادبی الهام‌گرفته از وحی الهی و احادیث نبوی فراهم آمده است.

تاکنون در باره قاصر کرمانی مقاله یا کتابی منتشر نشده، اما در چند اثر اشاره‌ای کوتاه به نام صحیفه قاصریه شده است که به ترتیب سال نشر به شرح زیر است: دانش پژوه، در کتاب فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۴۸ توسط دانشگاه تهران منتشر شد، نام این اثر را ذکر کرده است. رامرد و همکاران در سال ۱۳۹۲، مقاله‌ای را با عنوان «منظومه‌های حماسی عاشورایی مقامات حسینی منشی بمرودی و نسخه‌های خطی آن» در مجله پیام بهارستان منتشر کردند، در این مقاله اشاره‌ای کوتاه در حد دو سه سطر - به صحیفه قاصریه شده است.

زرنگ و همکاران، در مقاله «ذکر حسین (ع) در حماسه‌های دینی با نگاهی به حمله حیدری راجی کرمانی» که در سال ۱۳۹۸ در مجله زیبایی‌شناسی ادبی دانشگاه آزاد اراک چاپ کردند. اشاره ای کوتاه در حد یک سطر - به نام صحیفه قاصریه داشتند. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی و به شیوه تحلیل محتواست.

## ۱. صحیفه قاصریه

صحیفه قاصری یکی از این نسخ خطی که تاکنون مهجور مانده است. این اثر، کلیات اشعار قاصر کرمانی است. میرزا محمدعلی قاینی معروف به قاصر قاینی شاعر نیمه اول قرن چهارم قمری است که به علت مهاجرت به کرمان به قاصر کرمانی شناخته می‌شود (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۲۷). قاصر کرمانی حماسه‌ای دینی تحت عنوان «صحیفه» در پنج مقصد (پنج مقتل) در رویدادهای کربلا در وزن و قالب شاهنامه، در چهار هزار بیت سروده است. مقاصد خمسه قاصریه به شرح زیر است:

مقصد یک صحیفه درباره سرگذشت سراینده است که بر فردوسی ایراد می‌گیرد که در نظم شاهنامه از بزرگان دین یاد نکرده است. چهار مقصد دیگر به رویدادهای کربلا اختصاص دارد. صحیفه با این بیت آغاز می‌شود:

به نام خداوند پست و بلند منزه زهر نقص و از چون و چند

(قاصر کرمانی، بی تا: ۱)

مقصد دوم در شهادت اطفالی است که از خانواده رسالت به درجه شهادت فایض شدند. عدد آن‌ها به حسب آنچه به نظر قاصر رسید شش است و به این ترتیب در این کتاب ذکر می‌شود. **محمد و ابراهیم** دو طفل مسلم بن عقیل، **عبدالله و عون** دو طفل عبدالله بن جعفر خواهرزاده‌های حضرت سیدالشهدا؛ **عبدالله بن حسن، علی اصغر** طفل شیرخوار خود آن بزرگوار.

مقصد سوم در بیان حالت جمعی از یهود و نصارا است که در نصرت سیدالشهدا علیه السلام شهید شدند. از برای شهادت، عدد آن‌ها به حسب آنچه به نظر قاصر رسید، پنج است و به این ترتیب در این کتاب ذکر می‌شوند: **جوان**

**نصرانیه** به ترغیب عمر سعد ملعون در قتلگاه آمده سر مقدس حضرت را جدا نماید به دیدن جمال مبارک مجذوب شدن و اسلام اختیار نمودن و شهید شدن. **شخص نصرانی** با سهل ساعدی از دروازه شام بیرون آمد اسرای آل محمد و سرهای انور را دیده مجذوب شده و شمشیر خود را کشیده محاربه نموده تا به فیض شهادت فیض شده **نصرانی** حاضر در مجلس یزید به دیدن جسارت آن ملعون با سر مقدس و عالم شدن او بر حسب و نسب صاحب راس مبارک دهان به نکوهش گشوده معارضه کرده تا امر به قتلش کردند. **عالم یهودی** در مسجد با یزید بود به معجزه کلام معجز نظام حضرت سجاد علیه السلام اسلام اختیار نموده دهان به سرزنش گشوده که رستگار نیستی خواهی بکش و خواهی نه. **نصرانی** و به باطن مسلمان بود و جسارت یزید را به سر مقدس دیده زبان به نکوهش گشوده که رستگار نیستی خواهی بکش و خواهی نه.

مقصد چهارم در قضایا و اخبار عاشورا در فضیلت طلاب و علما است.

مقصد پنجم در ادعیه و مناجات‌های قاصر است که غالب آن‌ها نقل به معنای عبارات صحیفه سجادیه است.

از صحیفه قاصریه دو نسخه به جا مانده است که یکی در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس به شماره ۸۲۳ و دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۹۰۲ و ۱۱۷۴ نگهداری می شود. دو نسخه مذکور یکسان هستند. تخلص شعری قاصر کرمانی در اشعار «قاصر» است.

## ۲. اقتباس

اقتباس مصدر مأخوذ از ماده قبس است که به معنی آتش‌پاره است (غیاث‌الدین رامپوری، ۱۳۵۳: ذیل کلمه). در واقع همان‌طور که «قبس» به معنی گرمابخشی و نور است، آن حدیث و یا آیه نیز به شعر، نور و اعتبار می‌دهد و یا کلام گوینده به آن متبرک شود (محبتی، ۱۳۸۰: ۸۹). همچنین به معنای اخذ کردن و گرفتن مطلب از کتاب یا رساله‌ای است (معین، ۱۳۶۴: ذیل واژه). مؤلف فرهنگ آندراج نقل می‌کند که اقتباس به معنای «اندکی از قرآن یا حدیث در عبارت خود آوردن بی‌اشارت» است (پادشاه، ۱۳۵۵: ذیل واژه). در لغت‌نامه آمده است: «اقتباس آن است که نثر یا نظم متضمن گردد چیزی از قرآن یا حدیث را» (دهخدا، ۱۳۶۵: ذیل واژه). اقتباس کردن؛ از کسی به معنای «فایده و دانش گرفتن و پیروی او در دانش و علم کردن است» (نفیسی، ۱۳۴۳: ذیل واژه).

در فرهنگ اصطلاحات ادبی آمده است: «اقتباس به معنای سخن ربط دادن، سخن را شکافتن، بسط دادن است» (آبرامز، ۱۳۸۳: ۱۵۱). «اقتباس در ادبیات اروپایی، ویژه کارهای مدرن است و نوعی آماده‌سازی آثار است، از طریق ایجاد فضاهای مناسب که اثر را در خور وضعیت و موقعیت کاری جدید بنماید. زیرا اثر مناسب آن نوع کار نبوده، و اقتباس‌گر آن را مناسب آن نوع کار کرده است» (پایور، ۱۳۷۰: ۲۰). اقتباس در اصطلاح، عبارت است از این‌که شاعر یا نویسنده در ضمن کلام و شعر خویش آیه یا حدیثی بیاورد و به‌گونه‌ای نشان دهد که مأخذ گفتارش کجاست. اقتباس در حقیقت استعمال یک معنای پخته و کامل است (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۷۳).

در اقتباس «کلام به کار گرفته شده در شعر باید در فصاحت و بلاغت و معنی در اوج باشد تا شاعر به هدفش که زینت بخشیدن به کلام خود است برسد» (شمس‌العلمای گرگانی، ۱۳۷۷: ۷۹). اقتباس به‌عنوان صنعتی تزئینی در زبان فارسی از نیمه دوم قرن پنجم آغاز شد (همان: ۷۹). «هرگاه آیه‌ای از قرآن کریم یا حدیثی را به‌طور کامل یا اندک

تغییری در شعر و یا نثر بیاورند آن را اقتباس خوانند» (صادقیان، ۱۳۷۸: ۱۵۴). برخی دانشمندان اقتباس را محدود به استفاده از عبارات قرآنی دانسته‌اند.

تفاوت اقتباس با تضمین آن است که در تضمین شاعر در ضمن اشعار خود یک مصرع یا یک بیت و یا دو بیت را به صورت عاریه از شعرای دیگر بیاورند با ذکر نام آن شاعر یا شهرتی که به آوردن نام شاعر احتیاجی نباشد؛ به طوری که بوی سرقت ندهد (همایی، ۱۳۷۱: ۲۳۶). تلمیح آن است که در ضمن کلام، اشارتی لطیف به آیه قرآن یا حدیث و مثل سایر یا داستان و شعری معروف کرده باشند، کافیست اما در اقتباس شرط است که عین عبارت مورد نظر، یا قسمتی از آن را که حاکی و دلیل بر تمام جمله اقتباس شده باشد، بیاورند» (همایی، ۱۳۷۱: ۳۸۶).

### ۳. پرده خوانی قاجاری

پرده خوانی یا نقالی یکی از جلوه‌های مهم و اصیل در نمایش‌های سنتی ایران است، که بر پایه سنت قصه خوانی، روایت‌گری، همراه با اصول و فنون و برخوردار از نوعی آگاهی دقیق و تسلط بر قواعد و آموخته‌ها در جهت بهترین ارتباط با مخاطب است. نقالی به شکل امروزی آن از زمان شاه اسماعیل صفوی آغاز شد و در دورل قاجار به اوج رسید. پیدایش قهوه‌خانه‌ها در دوره صفویه و اجتماع مردم در چنین اماکنی کم‌کم نقالان را که در کوی و برزن سرگردان بودند، به خود جلب کرد؛ چنان‌که حتی تا دوره‌های اخیر کمتر قهوه‌خانه‌ای یافت می‌شد که در آن نشانی از شاهنامه خوانان و نقالان نباشد. در کنار اشاعه و بسط چنین هنری، نقاشی قهوه‌خانه با ویژگی‌هایی تحت تأثیر نقالی در همین مکان نمود پیدا می‌کند و اولین آثار که ماحصل استماع سخنان گرم و پرشور نقالان است، بر در و دیوار قهوه‌خانه‌ها تجلی می‌یابد. نقالان خود در گرماگرم سخن گاهی به این‌گونه صحنه‌های منقوش اشاره می‌کرده‌اند. با رشد روایتگران خانگی مانند رادیو و تلویزیون و رونق گرفتن کار سینماها و کافی‌شاپ‌ها و تریاها و باشگاه‌های بدن‌سازی، قهوه‌خانه‌ها از رونق افتادند و زنگ و طبل زورخانه‌ها با کم‌رنگ شدن معنای پهلوانی و قلندری از صدا افتاد. تصاویری که امروز از شمایل ائمه اطهار در حسینیه‌ها و تکیه‌ها به صورت پوستر و تصاویر چاپی بزرگ نصب می‌شود، بیشتر شبیه هنرپیشه‌های هندی و فاقد هرگونه اصالتی است و این‌گونه برداشت‌های تصویری جایگزین آثار با هویت گذشتگان شده است. در چند سده و حتی چند دهه قبل آبرو و اعتبار یک قهوه‌خانه به نقاشی‌هایش بود و نقاش مقامی در حد بزرگ محل داشت. به خصوص که مرشد همیشه هوادار نقاش بود و برای رونق محفلش از نقاشی‌های نقاش قهوه‌خانه شاهد می‌آورد. رسالت نقالی به‌عنوان هنری هدفمند به انجام نمی‌رسد. اینجاست که لزوم دستیابی به راه‌هایی برای به‌روز کردن این هنر و ایجاد جذابیت لازم در آن، برای جلب مخاطب احساس می‌شود اما امروزه به دلایلی این هنر جایگاه خود را نزد عموم مردم از دست داده است و دلایل آن از این قرارند: بر بستر تعاملات نقل با نقاش، قهوه‌خانه پرده خوانی که گونه دیگری از نقالی است، به‌وجود آمد اما امروزه این مسئله نیز با از بین رفتن جایگاه فرهنگی - اجتماعی قهوه‌خانه‌ها کم‌رنگ شده است (تقوی، ۱۳۹۵: ۲۰).

پرده خوانی به‌عنوان یکی از گونه‌های نمایش ایرانی با حداقل عناصر (پرده، پرده‌خوان، محیط و تماشاگر) یکی از پیچیده‌ترین گونه‌های اجرایی از نظر روابط میان عناصر سازنده آن است که متکی بر توانایی‌ها و مهارت‌های تکنیکی اجراگر و تعامل تماشاگر با اثر است. تأکید پرده خوانی بیش از آنکه بر عالم واقعی باشد، به تخیل اجراگر و قدرت تخیل تماشاگر وابسته است. در پرده خوانی عناصر حقیقی و مجازی، دو بعدی و سه بعدی، ثابت و متحرک، زنده و غیر زنده، موجود و ناموجود، حاضر و غایب، مجرد و غیر

مجرد، با هم می‌آمیزند و منجر به اثری می‌شود که برای هر تماشاگر منحصر به فرد است. تصویرگر پرده همواره تلاش می‌کند تا اشیاء را مطابق با حس خیال خود آشکار سازد و با وفاداری به شیوه اصیل بعدپردازی در هنر ایرانی ترسیم کند. در اکثر این تصاویر، پرسپکتیو ایجاد شده با توجه به اهمیت و شأنیت فرد ایجاد گردیده است؛ به گونه‌ای که تصویرگر فارغ از بُعد زمانی و مکانی به خلق رویدادها می‌پردازد، ترکیب‌بندی این تصاویر غالباً به صورت دایره است، از این منظر پرده دو بعدی همراه با عناصر تصویری آن که شامل پیکره‌ها، اشیاء و مناظر است، با عناصر بصری اجرایی که شامل پیکره زنده، لوازم و اشیاء صحنه و منظره طبیعی، همگرا می‌شود و قاب تصویر از اطراف پرده برداشته شده و در محیط اتساع می‌یابد (گله‌داران، پورزرین، ۱۳۹۸: ۲۱). در دوره قاجار و به فراخور سیاست مذهبی شاهان این سلسله، توجه به مذهب و مقتضیات آن افزایش یافت. در همین راستا، پرده خوانی به عنوان یکی از جلوه‌های ادبیات داستانی مذهبی جایگاه خاصی در جامعه کسب کرد. در این دوره، نقاشان زیادی به ارائه آثار خود برای پرده‌خوانی پرداختند که در نوع خود در ترویج این هنر مؤثر بود.

#### ۴. اقتباس و تأثیرپذیری از قرآن در صحیفه قاصریه و انعکاس آن در پرده‌خوانی قاجاری

##### ۴.۱. اقتباس مستقیم

اقتباس به این معنی است که شاعر تمام یا بخشی از یک آیه را در کلام خود با اندک تغییری به صورت مصراع یا بیت آورده است. برای نمونه، قاصر در صحیفه خود، در بیتهای از عبارت «ارحم الراحمین» استفاده می‌کند که تعبیری قرآنی است. این صفت از جمله صفات افعال خداوند مهربان است، و مرتباً در هر نماز و آغاز سوره‌های قرآن کریم؛ بلکه آغاز هر کار تکرار می‌شود، صفت «رحمانیت» و «رحیمیت» او است که خبر از لطف و رحمت بی‌پایان او نسبت به همه بندگان بلکه همه موجودات می‌دهد، و همان است که «ارحم الراحمین» است.

که بی‌رحم می‌بیند این آن و این تو را عکس یا ارحم الراحمین  
گناهی که اینها کنند آشکار انانی تو در پرده می‌پوشی ای پرده‌دار

(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۷۹)

(...وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ): «و تو مهربانترین مهربانانی» (سوره اعراف / ۱۵۱) این واژه، چهار بار در قرآن مجید آمده است، گاه به صورت خطاب مانند آیه بالا و گاه به صورت ضمیر غائب (و هو ارحم الراحمین) (سوره یوسف، آیات ۶۴ - ۹۲) آمده است.

قاصر در مصرع دوم بیت دوم به ستار بودن حضرت خداوند تعالی اشاره دارد. عیب‌پوشی از فضایل اخلاقی به معنای بازگو نکردن عیب دیگران است. ستار العیوب (پوشاننده عیبها) از صفات خداوند کریم است.

قرآن کریم خداوند را «احکم‌الحاکمین» توصیف کرده؛ بنابراین، حق قضاوت و داوری به‌طور مطلق، در دنیا و آخرت مخصوص خداوند است؛ قاصر در بیت زیر به داوری حضرت خداوند تعالی اشاره دارد:

که بنمود چون جور این سخت‌کین تو کر حکم یا احکم الحاکمین  
درخت حیاتش ز بن دادگر چنان اندر آرد که نارد ثمر

(قاصر کرمانی، بی تا: ۴۰)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ. (سوره تین / ۸) آیا خدا مقتدرترین و عادل‌ترین حکم‌فرمایان عالم نیست؟  
«درج»، آوردن متن عربی آیه است، و «درج» را اقتباس می‌نامند. در ابیات زیر قاصر از «نفس اماره» نام می‌برد که اشاره به آیه قرآن کریم دارد:

چنین ابلهان را فریبد همی نماید بخود نیک نه بد همی  
دو روزی باین شیوه کز دین جهان کند نفس اماره را کامران

(قاصر کرمانی، بی تا: ۲۹)

نَفْسِ أَمَارَةٍ، حالتی نفسانی است که انسان را به بدی و گناه می‌کشاند. این اصطلاح از آیه ۵۳ سوره یوسف گرفته شد:  
«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ؛ نفس قطعاً به بدی امر می‌کند». این مسئله در پرده‌خوانی‌های قاجار نیز گاهی به شکل جدال با هوا و هوس یا دیو ترسیم شده است.



تصویر ۱: پرده کشته شدن دیو سفید به دست رستم، اثر حسین قولر آقاسی، ۱۳۳۳ ه.ق. مجموعه رضا عیسی. مأخذ: هادی سیف.

نفس اماره همان هواهای نفسانی دانسته شده است. منظور از هواهای نفسانی را همان نفس اماره می‌دانند. همچنین مراد از جهاد با نفس یا جهاد اکبر که در روایات آمده است، مبارزه با نفس اماره دانسته شده است (مطهری، ۱۳۸۹: جلد ۲۳ / ۵۹۲).



## ۴۲. اقتباس غیرمستقیم

شاعر در اثرپذیری غیرمستقیم از قرآن کریم، با ظرافت مفهوم و مضمون آیه را در کلام خود می‌آورد. مانند نمونه‌های زیر از صحیفه قاصریه:

که قارون از آن سیم و ان زرّ و کنج ازین خاکدان برد در خاک رنج

(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۵۶)

خداوند درباره قارون در سوره قصص می‌فرماید: *إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ؛* همانا قارون از قوم موسی بود که بر آنان تعدی و تجاوز کرد و از گنجینه‌های مال و ثروت آن اندازه به او دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی نیرومند گران و دشوار می‌آمد. [یاد کن] هنگامی که قومش به او گفتند: [متکبرانه و مغرورانه] شادی مکن، قطعاً خدا این عده را دوست ندارد (سوره قصص / ۷۶).

گدایان ز شاهان چو دورند دور ندارد سلیمان چو نسبت بمور

(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۸۰)

داستان مورچه، که در سوره نمل، آیه ۱۸ و ۱۹ آمده است:

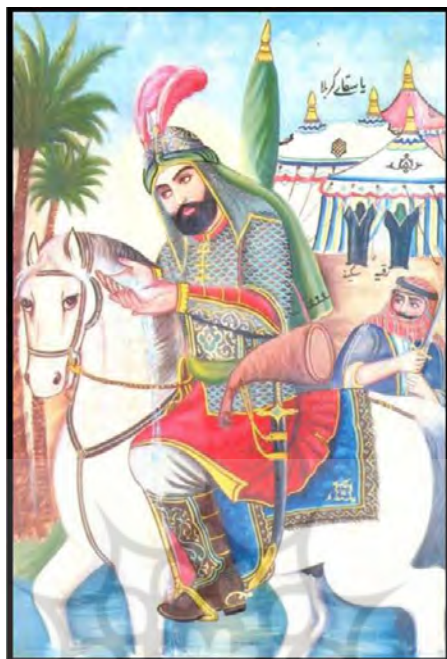
*حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ \* فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.* (سوره نمل / ۱۸) تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند. مورچه‌ای [به زبان خویش] گفت: «ای مورچگان، به خانه‌هایتان داخل شوید، مبادا سلیمان و سپاهیانش - ندیده و ندانسته - شما را پامال کنند» (سوره نمل / ۱۹). [سلیمان] از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت: «پروردگارا، در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس بگزارم، و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی بپردازم، و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن.

نه یعقوب گیرد ز یوسف خبر نه یوسف نماید سراغ پدر

(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۳۰۴)

*وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ.* (سوره یوسف / ۸۴)؛ سپس از آنان روی برتافت و گفت: افسوس بر یوسف! و هر دو چشمش از اندوه سفید گشت، چراکه چشمش را در خود نگاه می‌داشت و

اندوهش را فرو می‌خورد. تصویر شماره (۲) به ترسیم حادثه کربلا با محوریت اشخاص حاضر در آن پرداخته است که یکی از رایج‌ترین پرده‌ای مورد استفاده در دوره قاجار نیز بوده است.



تصویر ۲- بخشی از حادثه کربلا، اثر حسین قولر آقاسی. موزه رضا عباسی. مأخذ: (قاضی‌زاده: ۱۳۹۵).

#### ۴.۳. اقتباس وفادار

در اقتباس وفادار، تلاش می‌شود روح اثر اصلی را حفظ گردد و منبع بازآفرینی شود (جانتی، ۱۳۸۱: ۲۴۲). در اقتباس وفادار آنچه مهم است، بازآفرینی است؛ یعنی شاعر با حفظ محتوای اثر اصلی را حفظ می‌کند و همان را به تصویر می‌کشد:

توئی آن خداوند کون و پرتال مکان که داری بیا بی عمود آسمان

یکی سقف اندر خور یک مکس توان بی ستونش نگه داشت کس

(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۹۲).

ایات فوق اشاره دارد به آیه: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا. (سوره رعد / ۲ / سوره لقمان / ۱۰) خداوند آسمان را بدون ستونی که آن را ببینید، برافراشت.

که اینجا کنی تشنه گر جان سبیل  
در آنجا دهد جان تو را سلسبیل  
(همان: ۱۱۴).

سلسبیل در لغت به معنای نوشیدنی گوارا و خوشمزه که به راحتی در دهان و گلو جاری می‌شود (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۷: ۸۵). این واژه در قرآن به چشمه‌ای در بهشت گفته شده است. براساس آیه ۱۸ سوره انسان آب این چشمه از شراب بهشتی آمیخته به زنجبیل تشکیل شده است. علاوه بر سوره انسان، که به چشمه سلسبیل تصریح شده است در آیه ۵۰ سوره الرحمن عبارت *فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ* (ترجمه: در آن‌ها دو چشمه همیشه جاری است) به دو چشمه تسنیم و سلسبیل تفسیر شده است (سیوطی، ۱۳۸۰: ۴۵۴).

قاصر کرمانی در ابیات زیر در صحیفه به چشمه کوثر در بهشت اشاره دارد:

بکفتا که ساقی در این خاموشی  
به ما داد جام می بی هوشی  
ز کوثر یکی ساغر م داد آب  
که از نکهتش طعنه زد بر گلاب

(قاصر کرمانی، بی تا: ۲۱۰)

سوره‌ای به نام کوثر در قرآن وجود دارد، اما تعبیر حوض کوثر در قرآن ذکر نشده است. حوض کوثر نام حوض یا نهری در بهشت است. این حوض که با نام حوض النبی نیز شناخته می‌شود در حدیث ثقلین و دیگر روایات به تصریح بیان شده است. روایات فراوانی درباره حوض کوثر آمده و درباره آن سخن گفته است. علامه مجلسی در جلد هشتم کتاب بحار الانوار و در باب «صفة الحوض و ساقیه صلوات الله علیه»، به ویژگی‌های حوض و ساقی آن اشاره کرده است (مجلسی، ۱۳۸۱: ۱۶/۸). اهمیت و جایگاه حوض کوثر آن جاست که قرآن و اهل بیت بر پیامبر در کنار این حوض وارد می‌شوند و با مؤمنان واقعی امت پیامبر دیدار می‌کنند. بنا بر روایات شیعه و اهل سنت، حضرت علی (ع) ساقی کوثر است (خوارزمی، ۱۳۷۳: ۲۹۴).



تصویر ۳- پرده تابلوی عاشورا، اثر محمد مدبر، رنگ و روغن روی بوم. مأخذ: (سیف: ۱۳۶۹).

## ۴.۴. تداعی معانی

گاهی شاعر کلام خود را به گونه‌ای بیان می‌کند که اگرچه مقصود او اقتباس نیست، سیاق عبارات، تداعی‌کننده مفاهیم قرآنی است:

نَهْ كَز عَلٰی بُولَهَبِم مَبَاش نَگَر زَهْر اَیْن كَاسَه دَارِد دَر اَش

(قاصر کرمانی، بی تا: ۲۶۸)

ابی لهب نام یکی از سوره‌های قرآن کریم است و سوره تبت یا سوره مسد نیز گویند. ابولهب یکی از عموهای پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که با او و اسلام مخالفت می‌ورزید و از این رو، در قرآن مجید به او وعده آتش جهنم داده شده است؛ چنان‌که در سوره المَسَد ۱۱۱، آیات ۳، ۲، ۱ می‌فرماید: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ، مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ، سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ»؛ یعنی: شکسته باد دو دست ابولهب. دفع نکند از او مال او و آنچه که کسب کرده است. زود باشد که در آید به آتشی زبانه‌کشان.

كَه فَرْمُود اَن قَدُوَه سَالَكِيْنَ رَه دِيْن چَو پِيچِد يَسَار وَ يَمِيْن

(قاصر کرمانی، بی تا: ۱۰۷)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ قِيَهَ فَمَا مِنْ أَوْتَىٰ كِتَابَةٍ بِيَمِينِهِ فُسُوفَ يَحَاسِبُ حَسَابًا يَسِيرًا\* وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا؛ ای انسان! مسلماً تو با تلاش و رنجی فراوان به سوی پروردگارت می‌روی، پس دیدارش خواهی کرد پس آن‌که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود؛ پس زودا که با حسابی آسان محاسبه شود و خوشحال نزد کسان خویش بازگردد (انشقاق / ۹ / ۶).

## ۴.۵. اقتباس آزاد

در این نوع از اقتباس که به آن برداشت آزاد نیز می‌گویند، شاعر عمدتاً یک ایده یا یک مضمون کلی را از متن اصلی می‌گیرد و آن را در روایتی جدید، با فضایی جدید و حوادثی تازه می‌پروراند:

كَه سَازَنَد بَعْد اَز تُو عَشْرَت سَه تَن زَن اَبَن وَ پَس شُوهر دَخْت وَ زَن

اَكْر مَسْتِي اَي خَوَاجَه هَشِيَار شُو اَكْر مَسْتِي اَي خَوَاجَه هَشِيَار شُو  
كَه كَوْتَه بُوَد عَمْر وَ وَقْت اَسْت تَنَگ كَه كَوْتَه بُوَد عَمْر وَ وَقْت اَسْت تَنَگ

اَجَل دَر كَمِيْن خَصْم جَان تِيْز چَنَگ اَجَل دَر كَمِيْن خَصْم جَان تِيْز چَنَگ

که باشد تو را خصم جان آن سه تن که شد ثبت بر دفترم ای فتن

(قاصر کرمانی، بی تا: ۹۰).

ابیات فوق به آیه ۱۴ سوره مبارکه آل عمران اشاره دارد: زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ. (سوره مبارکه آل عمران/ ۱۴). عشق و علاقه به زنان و فرزندان پسر و اموال زیاد از طلا و نقره و اسبان ممتاز و چهارپایان و کشتزارها که همه از شهوات و خواسته‌های نفسانی است، در نظر مردم، جلوه یافته است؛ (در حالی که) اینها بهره‌ای گذرا از زندگانی دنیاست و سرانجام نیکو تنها نزد خداوند است.



تصویر ۴: پرده درویشی، از میرزامهدی نقاش شیرازی، رنگ و روغن روی بوم. مجموعه فرهنگی سعدآباد. مأخذ: (سیف: ۱۳۶۹)

#### ۴.۶. تلاقی

شاعر در روش تلاقی، فقط در پی گرفتن یک کلیت برای ساخت اقتباس است و عمدتاً با جزئیات متن اصلی و مواردی از این دست، کاری ندارد. در این شیوه، فقط ایده یا تفکر حاکم بر متن برای اقتباس کافی است (لوتنه، ۱۳۸۸: ۱۱۴). این روش را می‌توان اقتباس آزاد از مضامین نیز نامید. مانند ابیات زیر از صحیفه قاصریه:

مسیحا نیم ای مسیحا پرست	که بگرفته هستی ز ما هرچه هست
همانا ز ما تا که نگرفت دم	دم او نشد فیض بخش عدم
چو مریم شد آستن از روح من	ز عیسی عیان گشت لطف سخن
که با مادر اندر رحم صبح و شام	همی گفت آن روح الله کلام

(قاصر کرمانی، بی تا: ۱۵).

ابیات فوق به بارداری مریم علیهاالسلام با دمیده شدن روح خدا در وی اشاره دارد:

«وَأَلَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (سوره انبیا/ آیه ۹۱) و به یاد آور زنی را که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی پاک نگه داشت، و ما از روح خود در او دمیدیم، و او و فرزندش (مسیح) را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم.

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا...» (سوره تحریم/ ۱۲) و همچنین مریم دختر عمران مثل زده که دامان خود را پاک نگاه داشت، و ما از روح خود در او دمیدیم ....

در قرآن کریم، آیه ای وجود دارد که در معرفی حضرت عیسی ع این پیامبر الاهی بیان می‌دارد که: «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ» (سوره نساء/ ۱۷۱) یعنی همانا مسیح، عیسی بن مریم فرستاده پروردگار و کلمه و روح اوست که در مریم دمیده شده است.

با استناد به این آیه است که از واژه «روح الله» به عنوان یکی از اسامی عیسی(ع) در متون اسلامی استفاده شده است.

بحمد الله این راز شده پرده‌در نهال امید من آورد بر

(قاصر کرمانی، بی تا: ۵۰).

اولین عبارت اولین سوره قرآن، الحمدلله است و خدا در این سوره ادب، عبودیت را می‌آموزد و تعلیم می‌دهد که بنده او لایق آن نبود که او را حمد گوید، و فعلاً که می‌گوید، به تعلیم و اجازه خود او است، او دستور داده که بنده‌اش بگوید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۷).

در صحیفه قاصریه به برخی از جنبه‌های واقعه قیامت اشاره شده است؛ همچون تردیدناپذیر بودن آن، نزدیک بودن آن، همانندی آن با خواب و برخورد انسان‌ها با هم‌نشینان خود در قیامت.

همه خلق سرگرم کردار خویش بد و نیک از زده از کار خویش

خرد واله و محو و حیران شده زن و شوهر از هم کریزان شده

شده مام از نام فرزند سیر بریده ز مادر پسر مهر شیر

اللهی در انحال ای بی‌نیاز بر این عور بی‌دست و بی‌پا بساز

(قاصر کرمانی، بی تا: ۱۱۵).

قرآن کریم قیامت را «روز نزدیک» می‌خواند و می‌فرماید: «و انذرهم یوم الازفی اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع» (غافر/ ۱۸): آنان را به روز نزدیک هشدار بده؛ روزی که [از شدت وحشت]، قلب‌ها

خشم خود را فروخورده، به گلوگاه‌ها می‌رسند. ستمکاران هیچ خویشاوندی و شفيعی نخواهند داشت که فریادرسشان باشد.

تعالی الله این سر بنوک سنان نماید بیان حالت غافلان

(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۱۱۸).

که این وحشت و کثرت و ازدهام که کوید حدیثی ز حول قیام

(همان: ۸۱).

بدیدند یکدفعه اندر منام فضای جهانرا پر از ازدحام  
خلایق همه خوار و حیران و عور ز هرجا برآورده سرها ز کور  
سلاطین بخاک از سر افسر زده خوی و خاک از پای تا سر زده  
نه در نعل پا و نه بر فرق چتر برهنه بر و بال و بازو ز ستر

(همان: ۲۰۴).

یزید ستم کیش ناپاک رای عیان دید چون شور محشر بیای

(همان: ۴۳).

قاصر کرمانی در ابیات فوق به محشر و روز قیامت می‌پردازد که مقتبس از آیات زیر است:

«و هو الذی یتوفاکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه لیقضی اجل مسمی ثم الیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون» (انعام/ ۶۰): اوست کسی که در شب [به هنگام خواب، روح] شما را می‌گیرد و می‌داند که در روز چه انجام داده‌اید. سپس در روز، شما را از خواب مبعوث می‌کند [و این خواب و بیداری‌ها ادامه دارد] تا اینکه سرامدی تعیین شده فرارسد و آن‌گاه بازگشت شما به سوی او خواهد بود و سپس شما را از آنچه عمل می‌کردید، باخبر می‌سازد.

در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «اللّٰهُ یتوفی الانفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها» (زمر/ ۴۲): خداست که به هنگام مرگ ارواح را می‌گیرد و روحی را که هنوز مرگش فرا نرسیده، در هنگام خواب، آن را قبض می‌کند [

«یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین یومئذ زرقا \* یتخافتون بینهم ان لبثتم الا عسرا \* نحن اعلم بما یقولون اذ یقول امثلهم طریقه ان لبثتم الا یوما» (طه/ ۱۰۲ - ۱۰۴): [همان] روزی که در صور دمیده می‌شود و در آن روز مجرمان را کبودچشم برمی‌انگیزیم. با یکدیگر آهسته (زیر لب) می‌گویند: «ده روز بیشتر درنگ نکرده‌اید». ما به آنچه می‌گویند، آگاه‌تریم؛ آن‌گاه که برترین آن‌ها می‌گوید: «روزی بیش درنگ نکرده‌اید».

و زان پس چو کردم ز اهل رشاد کنم فکر تحصیل زادالمعاد

که محشور بی زاد چون بی کتاب نکردم بفردا بوقت حساب

(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۱۵۰).

«وَ أَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهُ وَ لَمْ أُدْرِ مَا حِسَابِيَهُ» (الحاقه ۲۶/ ۲۵) «اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپ بدهند می‌گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی‌دادند».

مضمون قیامت و روز حسابرسی یکی از مضامین قرآنی است که در صحیفه قاصریه فراوان از آن استفاده شده است:

شنیدم یکی روز در محضری یکی معتبر صحبت از مخبری

که می‌گفت فرموده خیرالانام نماید چو روز قیامت قیام

بدارند در محضر کبریا خوی‌افشان همه نیک و بد را بپا

چو گردد بد و نیک از هم جدای مشخص شود هر کسیرا سزای

بلرزاند از بیم خود مجرمان برآرند از پرده دل فغان

که کردیم یا رب اگر ما خطا بدیمان بسوی تو چشم رجا

کنون کر نسازی کرم ای کریم بفرما که باید چو سازد اثم

که از در که داور مهــــــــــــــــــــربان شفاعت شود بهره عاصیان  
(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۲۶۶).

کزین فرقه هر کس که وامانده پس نباشد کسش در قفا دادرس

(همان: ۲۸۲).

#### ۴.۷ حل

اگر مضمون آیه، آورده شود، آن را «حل» می‌گویند و «حل» را اقتباس می‌نامند. در بیت زیر، قاصر کرمانی اشاره به سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم خلیل (ع) دارد:



یکی کار کردم برای خدای چنین کرد آن کرده‌ام اقتضای  
که سالم نماید خدای جلیل برای من آتش بسان خلیل

(قاصر کرمانی، بی تا: ۱۱۶).

«قُلْنَا يَا نَاراً بَرِّدْ أَوْ سَلَاماً عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (سوره انبیاء/۶۹) «گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و سالم باش.»

قدیر است روزی دهن چون مدام

خوری از چه در روز غم بهر شام

(قاصر کرمانی، بی تا: ۵۲).

خداوند در آیه ۶ سوره هود رزق و روزی همه جنیندگان و هر موجودی که نیاز به غذا و خوراک دارد را تضمین کرده و آن را امری حتمی و قطعی برمی شمارد.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. (سوره هود، آیه ۶) و هیچ جنینده ای در زمین نیست جز آنکه رزقش به عهده خداست و خداوند محل استقرار و انتقال و اعاده اش را می داند، همه این موارد در کتابی آشکار موجود است.

ابیات زیر از صحیفه قاصریه اشاره به مقام حضور یافتن رسول الله (ص) (شرف وحدت) دارد:

منم آنکه جدّ من آن مقتدای بعرش خدا زد بنعلین پای

ملک در فلک چون خدا را ستود ادا ساخت با او رکوع و سجود

یکی نیم شب چون خدای جلیل فرستاد اندر برش جبرئیل

که برخیز از خواب و دل شاد دار بزم محبت قدم رنجه دار

حبیبا بیا در بر ما که ما یکی بزم داریم بس دلگشا

ندارد چو کس اندر آنجا عبور      وجود تو پس لاجرم شد ضرور  
 که یک لخت با هم همی ای حبیب      بگوئیم خلوت سخن بی‌رقیب  
 بمعراج وحدت باواز عشق      گشودند چون پرّ شهباز عشق  
 بیفشانند یک دم چو پرّ جلیل      بیفتاد بیهش بسی جبرئیل  
 بجا ماند در سدره‌المنتهی      که معراج من بد همین مصطفی  
 مانده است نیرو ببال و پرّم      که یک خطّه زینجا ببالا پرّم

(قاصر کرمانی، بی‌تا: ۸۵).

وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى \* ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى \* فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى \* (النجم/۹-۸) «و آن رسول در افق اعلای کمال بود،  
 آنگاه نزدیک آمد و بر او نازل گردید، (بدان نزدیکی که) با او به‌قدر دو کمان یا نزدیک‌تر از آن شد.

...عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى \* عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى \* إِذَا يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى \* (النجم/۱۶-۱۴) «... در نزد سدره‌المنتهی، بهشتی  
 که مسکن متقیان است در همان جایگاه است، چون سدره می‌پوشاند آنچه احدی از آن آگه نیست، از حقایق آن عالم  
 آنچه را باید بنگرد، بی‌هیچ کم‌وبیش مشاهده کرد.

اشاره به مرتبه‌ای از قرب در هنگام معراج، که هیچ‌کس حتی جبرئیل، نتوانست به آن مقام شرف حضور یابد و برای  
 پیامبر دیدن حضرت حق بی‌واسطه بوده است.

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى \* فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى \* (النجم/۹-۸) «سپس نزدیک‌تر و نزدیک‌تر شد \* تا آنکه فاصله او (با  
 پیامبر) به‌اندازه دو کمان شد.

إِذَا يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى \* (النجم/۱۶) «در آن هنگام که نور خیره‌کننده‌ای سدره را پوشانده بود.

قاصر در بیت زیر از واژه «تبارک» بهره می‌گیرد که کلمه ای قرآنی است:

تَعَالَيْتَ مَا أَغْلَبَ قُوَّتَكَ تَبَارَكَتَ مَا أَقْهَرَ قُدْرَتَكَ

(قاصر کرمانی، بی تا: ۹۸).

واژه‌های: مبارک، بارک و تبارک که در قرآن ذکر شده‌اند. معادل و مشتقات این کلمه در سوره‌هایی از قرآن آمده است. از جمله در آیات اول سوره فرقان و آیه اول سوره ملک، کلمه تبارک آمده است. تبارک و بارک اگر به خدا نسبت داده شود، یعنی گفته شود "تبارک‌الله"، به معنای این است که خداوند زوال‌ناپذیر، پاک و بلندمرتبه است. در آیه: «تبارک‌الذی بیده‌الملک...» پر برکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست او است. در این آیه شریفه، در حقیقت، دلیل مبارک‌بودن ذات پاک خدا ذکر شده و آن مالکیت و حاکمیت او بر جهان و قدرت او بر همه چیز است، و به همین دلیل، وجودی است زوال‌ناپذیر و پر برکت (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۴/۳۱۶). پس، تبارک و بارک اگر به خدا نسبت داده شود؛ یعنی گفته شود «تبارک‌الله»؛ به معنای این است که خداوند زوال‌ناپذیر، پاک و بلندمرتبه است.

### نتیجه‌گیری

قاصر کرمانی در صحیفه دینی خویش، از آیات قرآن کریم هم در معنا و مفهوم و هم در جهت آراستگی کلام و لفظ بهره گرفته است. این استفاده از آیات قرآنی، همچون دیگر آراستگی‌های کلام که در شعر این شاعر و شیوه بیان، به زیبایی و به دور از تکلف و تصنع آورده شده، گاه به صورت اقتباس مستقیم و گاه با اشاره و به صورت غیرمستقیم و اقتباس خلاق و برداشت آزاد آورده می‌شود؛ گاه آن چنان در بطن و عمق کلام فرومی‌رود که با زبان درآمیخته، به طوری که مخاطب بدون مراجعه به معنا تشخیص نخواهد داد که در آنچه خوانده و به سادگی از آن گذشته به شکل‌های پنهان از کلام قرآن کریم استفاده شده است. آوردن مضامین آیات قرآنی از جهتی، هنر شاعری قاصر کرمانی و ابداعات و نوآوری‌های او را در شعر نشان می‌دهد. از جهت دیگر، نشان از آگاهی و تسلط فراوان او به قرآن کریم دارد که گاه حتی از کلمه قرآنی نیز در جملات عادی استفاده کرده و در اصطلاح «ترکیبی قرآنی» می‌آفریند.

همچنین قاصر کرمانی تلاش می‌کنند که در کمترین کلام، بیشترین معنا را بیاورند. استفاده از آیات کمک می‌کند که معنا، زودتر و راحت‌تر به مخاطب تفهیم شود و به ظاهر کلام نیز آراستگی می‌بخشد. مهم‌ترین موضوعات قرآنی که قاصر کرمانی در صحیفه خود بدان پرداخته عبارت است از: قیامت و مرگ‌اندیشی، داستان انبیاء، کارکردهای صفات حسنی الهی و ... به طور کلی، مطالعه ابیات قرآنی سرور و حظی وصف‌ناپذیر به مخاطب می‌بخشد که می‌تواند راهنمای مسیر زندگی او باشد. هم چنین موجبات آگاهی دینی و قرآنی مخاطب را فراهم می‌آورند. علاوه بر موارد مذکور، بسامد کارکرد استفاده از آیات قرآن کریم در صحیفه قاصریه، به صورت اقتباس غیرمستقیم و به منظور تشبیه، تعلیل، توصیف، تأکید صورت می‌پذیرد.

## منابع

## کتاب‌ها

- آبرامز، ا. ا. ج. (۱۳۸۳). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی. ترجمه: حمید سبزیان، تهران: انتشارات رهنما.
- آیتی، محمدحسین. (۱۳۷۱). بهارستان. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۶۷). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مصحح: محمد مهدی ناصح / محمدجعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- پادشاه، محمد. (۱۳۵۵). *آندراج، فرهنگ جامع فارسی*. زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: سروش.
- جانتی، لوییس. (۱۳۸۱). *شناخت سینما*. ترجمه ایرج کریمی، تهران: روزگار نو.
- خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۳۷۳). *المناقب*. قم: چاپ مالک محمودی.
- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۸). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۵). *لغت نامه*. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- راشد محصل، محمدرضا. (۱۳۸۹). *نام شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی*. مشهد: شرکت به نشر آستان قدس رضوی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۳۸۰). *الاتقان فی علوم القرآن*. مترجم: مهدی حائری قزوینی، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- شمس‌العلمای گرگانی، محمدحسین. (۱۳۷۷). *ابدع البدیع*. تبریز: احرار.
- صادقیان، محمدعلی. (۱۳۸۷). *زیور سخن در بدیع فارسی*. یزد: دانشگاه یزد.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان*. ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- غیاث‌الدین رامپوری، محمد. (۱۳۶۳). *غیاث اللغات*. تهران: امیرکبیر.
- قاصر کرمانی. (بدون تاریخ). صحیفه قاصریه. شماره ۸۲۳ کتابخانه و مرکز اسناد مجلس.
- (بدون تاریخ). صحیفه قاصریه. شماره ۲۹۰۲ و ۱۱۷۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- کاشفی سبزواری، میرزا حسین. (۱۳۶۹). *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*. تهران: مرکز.
- لوته، یاکوب. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*. ترجمه: امید نیک‌فرجام. تهران: مینوی خرد.
- محبتی، مهدی. (۱۳۸۰). *بدیع نو*. تهران: سخن.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۱). بحار الانوار. تهران: امیرکبیر.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.

معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۶). تفسیر نمونه. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه مدرسه الامام امیرالمؤمنین.

منزوی، احمد. (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۱). فنون بلاغات و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.

نفیسی، علی‌اکبر. (۱۳۴۳). فرهنگ ناظم‌الاطباء. تهران: انتشارات خیام.

#### مقالات

تقوی، لیلا. (۱۳۹۵). «پرده‌خوانی گونه‌ خاصی از نقالی مذهبی». رشد آموزش و پرورش، ش ۴۵، صص ۲۵-۲۰.

حیدری، مرتضی. (۱۳۹۶). «بررسی انواع اقتباس‌های قرآنی در دیوان اشعار حافظ و ابوالعتاهیه». نشریه مطالعات قرآنی، شماره ۳۰، صص ۲۴۷-۲۲۷.

خاوری، سیدخسر. (۱۳۸۳). «از واژه به مفهوم: اقتباس یا ترجمه ادبی». پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۱۸، صص ۹۶-۸۳.

رادمرد، عبدالله و همکاران. (۱۳۹۲). «منظومه‌های حماسی عاشورایی مقامات حسینی منشی بمرودی و نسخه‌های خطی آن». مجله پیام بهارستان، ۲(۲۰)، صص ۳۸-۱۱.

زرنگ و همکاران. (۱۳۹۸). «ذکر حسین در حماسه‌های دینی با نگاهی به حمله حیدری راجی کرمانی». مجله زیبایی‌شناسی ادبی دانشگاه آزاد اراک. (۴۲)، صص ۱۸۲-۱۵۵.

صباغی، علی. (۱۳۹۴). «نقد و بررسی اقتباس از قرآن با نگاه بلاغی». پژوهش‌های ادبی قرآنی، ۳(۳)، دوره ۳، صص ۶۲-۴۸.

عالی محمودی، امیدوار؛ نوریان، سید مهدی و فشارکی، محمد. (۱۳۹۶). «بررسی تلمیح و اقتباس مضامین قرآنی و احادیث نبوی در مثنوی نهرسپهر امیرخسرو دهلوی». مجله فنون ادبی، ۹(۲)، صص ۵۲-۳۳.

گله‌داران، لیلی؛ پورزرین، رضا. (۱۳۹۸). «نقش نقال و نقش نقاش: کنش و هم‌کنش عناصر اجرایی، تصویری و ساخت فضای چندساحتی در پردخوانی میدانی»، نگره، ش ۵۰، صص ۱۰۷-۹۱.

محمودی، مریم. (۱۳۸۹). «اقتباس و تضمین آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی و مطالعات قرآنی فدک». فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی، ۱(۲)، صص ۱۳۸-۱۲۹.